



۲۰۱۷/۰۲/۱۸



جلیل غنی

حکمتیار و معادله سیاسی افغانستان

قسمت سوم و آخری

در نهم آگست سال 1992 که فقط چهار ماه و ده روز از تشکیل حکومت تنظیمی در افغانستان می گذشت و برهان الدین ربانی ریاست این حکومت را به دوش داشت جنگ شدید بین نیرو های حزب اسلامی و دولت آغاز گردید و هزاران راکت و گلوله به نقاط مختلف شهر کابل اصابت کرد. به موجب محاسباتی که صورت گرفت در دو ساعت بیش از ششصد راکت از چهار آسیاب مقر قوماندانی حزب اسلامی بر کابل انداخت شد که به این ترتیب در هر دقیقه پنج راکت و یا در هر دوازده ثانیه یک راکت بر کابل فرود می آمد. ملت افغانستان، و مردم کابل بخصوص، این راکت بارانها را فراموش نکرده اند و اگر حافظه هواداران این حزب و رهبران آن این وحشت و مرگ آفرینی را فراموش کرده باشند حافظه ملت ها و تاریخ هیچگاهی فراموش نخواهد کرد.

با در نظر داشت سابقه آقای حکمتیار به پیمان شکنی و نقض تعهدات او آیا به تعهد و پیمان او به پیوستن به فعالیت های سیاسی و مبارزه سیاسی و انحلال شاخه نظامی حزب اسلامی می توان اعتبار نمود؟ جند نمونه به عنوان مثال و شاهد:

در هفتم مارچ 1992 رهبران دولت افغانستان و مخالفین آن در شهر اسلام آباد جمع شده موافقتنامه را به امضاء رسانیدند که به اساس آن برهان الدین ربانی برای مدت هجده ماه به حیث رئیس جمهور و گلبدین حکمتیار به حیث صدراعظم تعیین شدند. و در هشتم مارچ بعد از امضای این موافقتنامه عازم مکه معظمه شدند و این تعهد را تجدید نمودند. اتفاق نظر براینست که در همین سفر قرآن شریف را برای تائید تعهدات شان نیز امضاء نمودند ولی با بر گشتن به افغانستان باز هم جنگ در گرفت و باز هم ملت قربانی جاه طلبی ها و اختلافات این رهبران گردید.

اهداف احتمالی که در این اقدام حزب اسلامی از یک جانب و دولت افغانستان به رهبری داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت در جانب دیگر می توان حدس زد، بر آوردی خواهد بود از تلاش هر دو طرف برای بهره برداری از این مصالحه و تحکیم پایه های سیاسی که هر یک از جانبین به منظور استحکام موقف و نقش شان در امور سیاسی در آینده و در پی تغییر معادله سیاسی به نفع شان هستند.

داکتر اشرف غنی با مشکلاتی که با شریک عمده حکومتش یعنی جمعیت اسلامی و بالاخص با داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت دارد در پی آنست تا به نحوی نفوذ این تنظیم و افراد وابسته به آن را کاهش دهد. جمعیت اسلامی و با متحدین آن که جناح مقابل نیرو های تکنوکرات و غیر جهادی میباشند، از همان موقع تشکیل حکومت وحدت ملی بر اساس یک تفاهم سیاسی نه برنده شدن در انتخابات ریاست جمهوری که فساد و تقلب در آن بی سابقه بود، تلاش دارند مثل گذشته در مسایل کلان سیاسی و تصمیم گیری های کلان سیاسی سهم عمده داشته باشند و باز هم به حیث جناحی که خود را مستحق زعامت و رهبری مملکت با به پیروزی رسانیدن جهاد و سقوط دادن حکومت تحت الحمایه اتحاد شوروی میدانند، حرف اول را باید در امور مملکت داشته باشد. ولی با تجربه تلخی که ملت افغانستان و جهان از چهار سال حکومت تنظیمی از سال 1992 تا 1996 دارد حاضر نبودند و نیستند که اقتدار و مقدرات کشور را بار دیگر به دست این تنظیم ها بدهند.

از جانب دیگر داکتر اشرف غنی و تیم کاری و متحدین او نه تنها از جانب داکتر عبدالله عبدالله و تیم کاری او بلکه از جانتب شاخه نو ظهور دیگر و مرد قدرت مند جمعیت اسلامی عطا محمد نور نیز تحت فشار سیاسی قرار دارد چنانچه در ده سالی که گذشت در حالی همه والیان ولایات بر کنار و تعویض گردیدند قدرتی نبوده که عطا محمد نور را از آن ولایت تبدیل نماید و خودش می گوید هر زمانی که خواسته هایش بر آورده شد خودش کنار خواهد رفت در غیر قدرتی نیست که او بر کنار سازد. این یکی از شاخه های جمعیت اسلامی است گر چه عده ای از رهبران جمعیت گفته اند که عطا محمد نور به نمایندگی از جمعیت با رئیس جمهور مذاکره میکند ولی دیگران به این عقیده اند که او در صدد رفع تحریم ها و قید بودن حسابهای بانکی و تجارتي اوست تا بتواند با استفاده از موقف حزبی اش صد ها میلیون دالر معاملات تجارتي خود را اعاده نماید.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

شاخه دیگر احمد ضیاء مسعود و سایر اعضای شورای نظار و ازحامیان داکتر عبدالله است که در ظاهر خود را مخالف داکتر عبدالله و انمود میسازند با قدرت مردمی که از پنجشیر و چند شهر دیگر در شمال دارند به حیث قدرت دیگری در برابر دولت قرار گرفته اند و با نفوذی که در نظامیان و قوای امنیتی دارند و با سلاحی که ذخیره دارند تهدید دیگری در برابر دولت بشمار می روند.

نا رضایتی مردم از بر خورد حامیان این گروه ها در داخل دولت و با مردم و زور گوئی های آنها هم سبب گردیده که از طرفی بر روند کاری لطمه وارد گردد و از جانب دیگر مانعی باشند در برابر تصامیمی که در حلقه اطراف اشرف غنی اتخاذ می گردد.

با ورود حکمتیار به حلقه فعالیت های سیاسی، اشرف غنی محاسبه کرده باشد که با پیوستن حزب اسلامی در صف موافقین او در حالی که همین اکنون چندین وزیر و مامور عالی رتبه و والی و اعضای پارلمان در هر دو بخش شورای ملی یعنی ولسی جرگه و مشرانو جرگه دارد میتواند موازنه معادله سیاسی را به نفع خود تغییر دهد و از وجود حکمتیار با در نظر داشت مخالفت های گذشته او با جمعیتی ها و یکتعداد از متحدین آنها در حکومت مثل حزب وحدت به رهبری محقق و اتحاد اسلامی به رهبری سیاف استفاده نموده از نفوذ آنها کاسته و پایه های دولت را تقوینیه نماید و از طرفی هم در انتخابات آینده پارلمانی و ریاست جمهوری بتواند با اتحاد با حکمتیار از یک موقف قویتر و پایگاه مردمی تر قد علم نماید.

جانب دیگر که در آن جهادی ها نقش برانزده دارند و با این درک که بعد از احراز مقام ریاست جمهوری توسط داکتر اشرف غنی به حاشیه رانده شده اند و آینده سیاسی شانرا در افغانستان با تهدید مواجه می بینند و همچنان نا رضایتی مردم را از تنظیم های جهادی و جهادی ها آشکارا مشاهده می نمایند نیز محاسباتی دارند که از آمدن حکمتیار چگونه بهره برداری نمایند و به چه نحوی این معادله سیاسی را به نفع شان متوازن بسازند. در آغاز این بحث گفتیم که جمعیت جوانان مسلمان بعد از فرار حکمتیار و ربانی و کشته شدن نیاز محمد نیازی و یکصد و چهل تن پیرو او در دوران ریاست جمهوری نور محمد تره کی در پل چرخی، به دو بخش انشعاب نمود، جمعیت اسلامی و حزب اسلامی.

از جانب دیگر این تنظیم ها و رهبران در مدت تقریباً پانزده سالی که در پیشاور بودند با وصف آنکه مجاهدین شان در جبهات علیه یکدیگر می جنگیدند ولی این رهبران در یک دسترخوان غذا نوش جان میکردند و هر زمانی که منافع شخصی شان ایجاب میکرد متحد بود و زمانی که منفعت شخصی ایجاب میکرد با هم مخالف می شدند. فراموش نکنیم که سال گذشته در جریان تماس ها با حزب اسلامی برای تنظیم این موافقتنامه صلح موافقت داکتر عبدالله و عبدالرب رسول سیاف نیز گرفته شد. بناً میتوان گفت که امکان نزدیکی گلبدین حکمتیار با تنظیم های جهادی بجای حمایت او از تکنوکراتها و اتحاد با آنها بیشتر است و این نزدیکی تنظیم های جهادی و معرفی کاندید های مشترک در انتخابات پارلمانی پیشرو میتواند تضمین کننده نقش رهبری در پارلمان آینده و هم در صورت توافق و هم آهنگی که احتمال آن هم بعید به نظر نمی رسد، معرفی کاندید مشترک در انتخابات ریاست جمهوری باز هم موفق از دست رفته ای تنظیم ها را اعاده نماید که در آن صورت معادله سیاسی به نفع تنظیم ها تغییر خواهد کرد. یکی از خواسته های حزب اسلامی انتخابات بر مبنای حزبی است نه افراد که از سالیان دراز پیشنهاد حکمتیار است که رای برای هر حزب داده شود و هر حزب نظر به آرای که بدست می آورد افرادش را به پارلمان بگمارد که نوعی انتخابات غیر مستقیم میباشد و اشخاص برای افراد نه بلکه به حزب رای میدهند. این خواسته با قانون اساسی افغانستان که آقای حکمتیار آنرا قبول و تأیید نموده موافق نیست و در صورت تشکیل لویه جرگه قانون اساسی اگر دایر شود به آن جواب خواهد گفت در غیر آن در قانون اساسی فعلی رای مستقیم قید گردیده است. ولی تجربه تلخی که ملت افغانستان از حکومت چهار ساله تنظیمی دارد و ویرانی و خونریزی های که باعث ظهور طالب در نتیجه جنگهای تنظیمی گردید این یادگار های تلخ و فراموش ناشدنی را زنده می سازد و نه تنها مایه نگرانی بیش از حد ملت افغانستان است بلکه تهدیدی به صلح و امنیت افغانستان، منطقه و جهان به حساب می آید چون تجارب چهار دهه اخیر نشان داده که این رقیبان سوگند خورده به هیچ وجهی تعهدات شان شان صادق نمی مانند و بار دیگر افغانستان به میدان جنگ های تنظیمی و جنگ های نیابتی برای منافع همسایگان دور و نزدیک تبدیل خواهد شد.

با در نظر داشت مخالفت گروه ها و افراد با نفوذ در داخل حزب اسلامی در مورد توافق با حکومت موجوده افغانستان که آنرا دست نشاندۀ غرب و افغانستان را تحت اشغال میدانند، نزدیکی و هم نوائی حزب اسلامی با تنظیم های جهادی محتمل تر به نظر می رسد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

سناریوی دیگر جریان‌های سیاسی بیرون از حلقه‌های تشکیلی دهنده حکومت موجوده یعنی تیم‌های داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله هستند که بیشتر به نام جریان‌های ملی و یا نیروهای ملی یاد می‌شوند که به هیچ‌یک از این دو جناح خود را متعلق نمی‌دانند ولی تا کنون هم به حیث یک اپوزوسیون فعال تبارز کرده نتوانستند گرچه تشکلاتی به نام جبهه ملی نوین و نام‌های دیگری وجود دارد که در آن بعضی از گروه‌های شناخته شده و سابقه دار مثل حزب معروف به افغان ملت هم داخل هستند.

آقای حکمتیار با پیوستن به عملیه صلح افغانستان همه امتیازاتی را که میخواست بدست آورد به شمول رفع تحریم‌ها، مصونیت قضائی با تضمین بین‌المللی برای خودش و اعضای حزب او، آزادی اعضای این حزب، تهیه بیست هزار نمره زمین به اعضای این حزب که از ایران و پاکستان به کشور بر می‌گردند، تهیه سه مسکن در بهترین و مصون‌ترین موقعیت شهر کابل برای خودش، اعاشه و اباطه پنجمصد محافظ و تربیه دوصد محافظ در قوای امنیتی، استخدام اعضای حزب در قوای امنیتی، فراهم نمودن سه تا پنج میلیون دالر سالانه برای مصارف، مشوره در تصمیم‌گیری‌های کلان و بسا امتیازاتی دیگر.

این اقدام او در حالی صورت می‌گیرد که از یک جانب گروه طالبان که آقای حکمتیار از آنها قسماً پشتیبانی می‌نمود هم با حزب اسلامی ظاهراً قطع رابطه نمود و هم شبکه حقانی تحت فشار قرار دارد و هم پاکستان حامی طالبان و شبکه حقانی تحت فشار بین‌المللی قرار گرفته است و دیگر جایی برای حمایت و یا همکاری با این شبکه‌ها موجود نیست و همچنان با مرگ ملا محمد عمر و پارچه شدن طالبان، این گروه موقوف قبلی خود را هم در جهان عرب و هم پاکستان بزرگترین پشتیبانان و حامیان این گروه از دست داده است و آقای حکمتیار آینده‌ای برای این حزب در بیرون از افغانستان نمی‌دید. گلبیدین حکمتیار در استفاده از موقع و فرصت طلبی‌ها زیرکی خاص دارد و خوب میدانند که چگونه از فرصت‌ها به نفع خود و حزب خود استفاده نمایند و این یکی از خاصیت‌های برارنده سیاستمداران است.

با جنین وضعی آقای حکمتیار می‌تواند بیشترین منفعت را از اوضاع کنونی افغانستان و در زد و بند‌های سیاسی داخل افغانستان درین برهه خاص بدست آورد. پیوستن او به هر یک از این جوانب وزنه آن طرف دیگر را سنگین‌تر می‌سازد و در معادله سیاسی نقش تعیین‌کننده را میداشته باشد و بدین صورت می‌تواند امتیازات بیشتری بدست آورد و به همان آرزوی دیرینه‌اش که رهبری است خود را برساند، مگر اینکه وضع تغییر نماید و از خاکستر این آتش سوزان سیاسی جریانی تبارز نماید که درانکشافات سیاسی افغانستان با در نظر داشت سوابق تاریخی آن، بی سابقه نیست.

پایان

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ